

تحلیل مقابله با شرارت از منظر نظریه آشفتگی

(بررسی موردی طرح برخورد پلیس با شرارت خیابانی در خراسان شمالی)

سجاد نامور^۱

دکتر محمد جواد زاهدی^۲

دکتر هما زنجانی زاده^۳

تاریخ دریافت: 92/08/17

تاریخ پذیرش: 92/12/01

چکیده:

سیر جرایم در جامعه روند پر شتابی به خود گرفته و انجام اقداماتی پیشگیرانه در این زمینه ضروری است. از جمله این جرایم که در استان خراسان شمالی به یک مسئله اجتماعی جدی تبدیل شده، شرارت خیابانی است. وظیفه برخورد با این شرارت در وهله اول به عهده پلیس است. در این تحقیق این مساله بررسی شده است که آیا پلیس خراسان شمالی از طریق برخورد با شرارت خیابانی در سال‌های 1385 تا 1389 توانسته است از بسیاری ناپهنجاری‌های دیگر که در آینده احتمال بروز دارند پیشگیری نموده و امنیت لازم را برای جامعه به ارمغان آورد. بررسی موضوع با استفاده از نظریه آشفتگی صورت گرفت و هدف آن بود که با شناسایی و تقویت الگوهای رفتاری و ساختاری مناسب (فراکتال‌های اجتماعی زیبا) از کوچکترین جزء جامعه تا کل آن، زمینه‌هایی که جامعه را به سوی پیشرفت و زندگی بهتر (آشفتگی اجتماعی پیشبرنده) هدایت می‌کند، شناخته شوند. روش انجام این تحقیق تحلیل ثانوی یعنی استفاده از آمار وقوع و کشف شرارت در سال‌های 1385 تا 1389 می‌باشد. نتایج بدست آمده از تحقیق بازگوی آن است که پلیس خراسان شمالی با همکاری سایر سازمان‌های متولی امور فرهنگی در برخورد با شرارت (فراکتال‌های اجتماعی زشت) در سال‌های 1385 تا 1389 کم و بیش موفق بوده و اقدامات انجام شده در سطحی قابل قبول به افزایش امنیت اجتماعی منجر شده است.

واژگان کلیدی: شرارت‌های خیابانی، آشفتگی، آشفتگی اجتماعی پیشبرنده، آشفتگی اجتماعی واپسبرنده،

فراکتال، فراکتال‌های اجتماعی زیبا، فراکتال‌های اجتماعی زشت، اثر پروانه‌ای.

¹ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Sahad.namvar@yahoo.com

² دانشیار علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

³ دانشیار علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

مقدمه:

از آنجا که همگام با رشد اقتصاد سرمایه داری و جهانی شدن، نابرابری و تمایز در میان اقشار اجتماعی گسترش یافته و در سایه فرد گرایی مدرن، دستیابی به ثروت و منزلت از هدف‌های اصلی جمعیت به ویژه جوانان شده است و با توجه به این واقعیت که امکان پیشرفت و دستیابی به ثروت و رفاه برای همگان به یک اندازه فراهم نیست، پس می‌توان انتظار داشت که روز بروز شاهد بروز جرایم پیچیده‌تر و سنگین‌تری باشیم. امروزه و در عصر پست مدرن میزان خشونت افزایش یافته است و جوامع در کشورهای جهان مشکل رویارویی با آن را دارند (گیدنز، 1996: 6). جامعه ما نیز از این مشکل مستثنی نیست. برای فهم بیشتر و بهتر این مشکل در این مقاله به بررسی یکی از جلوه‌های این مساله یعنی شرارت‌های خیابانی می‌پردازیم. موضوع بررسی شرارت‌های خیابانی در پرتو نظریه آشفتگی¹ از دو جنبه کاربردی و نظری حائز اهمیت است. جنبه اخیر یعنی بعد نظری آن بیان کننده دیدگاه جدیدی نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی در عصر حاضر است. از لحاظ کاربردی از آنجا که امنیت اجتماعی نیاز اصلی هر جامعه‌ای است و شرارت مسئله ایست که این امنیت را تهدید می‌کند و برخورد با شرارت وظیفه اصلی سیستم‌های کنترل اجتماعی است، لذا در این بررسی می‌توان با سنجش موفقیت یا عدم موفقیت سیستم کنترل اجتماعی رسمی در برخورد با انواع شرارت‌ها در جهت افزایش امنیت اجتماعی گام برداشت. بر این اساس می‌توان با بررسی نقاط قوت و ضعف سیستم کنترل اجتماعی در جهت تقویت نقاط قوت و کاهش نقاط ضعف آن‌ها به رویکردهای موثرتری رسید. از لحاظ نظری با استفاده از نظریه آشفتگی که بر بی نظمی و هرج و مرج دوران پست مدرن دلالت دارد می‌توان به تحلیل مسئله آسیب‌های اجتماعی پرداخت. در چند دهه اخیر، انقلاب عظیمی در علوم و به ویژه علوم طبیعی پدید آمده است. این انقلاب در شیوه درک و تبیین پدیده‌ها، به وسیله اندیشمندانی صورت گرفته است که در سالیان گذشته معتقد بودند معلول‌ها به صورت خطی برآیند علل خاصی هستند اما اکنون آن‌ها بر نقش خلاقانه بی نظمی و آشفتگی تأکید کرده و جهان را مجموعه‌ای از سیستم‌هایی می‌دانند که به شیوه‌هایی خود سازماندهنده عمل می‌کنند و پیامدهای این شیوه زندگی وجود حالات پیش بینی ناپذیر و تصادفی است. اما در این شرایط، قوانین جبری طبیعی کماکان حاکمیت دارند و پی برده شده که سیستم‌ها به شیوه‌ای دورانی

¹ - Chaos Theory

عمل می‌کنند که در آن بی‌نظمی منجر به نظم و نظم منجر به بی‌نظمی می‌شود. این یافته‌های علمی مضمون اصلی نظریه آشفستگی یا نظم دربی‌نظمی را تشکیل می‌دهد. نظریه "نظم غایی" یا "نظم دربی‌نظمی" به ما ابزار حل مسائل پیچیده را در محیط آشوبناک و آکنده از تغییر و تحول امروز و فردا می‌دهد [1390, www.Aftabir.com]. به نظر می‌رسد که چنین رویکردی را می‌توان به نحوی کارآمد در تحلیل و تبیین پدیده‌های مرتبط با زندگی اجتماعی و از جمله و خصوصا در مورد آسیب‌های اجتماعی به کار گرفت.

در این مقاله سعی شده است تا با بیان شرارت‌های خیابانی بمثابة یک فراکتال اجتماعی زشت در بطن آشفستگی اجتماعی و هرج و مرج زندگی روزمره، میزان اثر فزاینده مخرب و نفوذ کننده آن را در جامعه مورد شناسایی قرار داده و بر لزوم کنترل اجتماعی مناسب با آن و نیز بر نقش سازمان‌ها و نهادهای دولتی در مقابله و ایجاد فراکتال‌های اجتماعی زیبا تاکید گذاشت.

1) پیشینه و ضرورت تحقیق

درباره انواع کجروی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، تحقیقات و مطالعات زیادی از سوی دانشمندان و صاحب نظران علوم اجتماعی انجام شده است ولی هیچ یک از تحقیقات در دسترس با استفاده از نظریه آشفستگی به تحلیل موضوع نپرداخته‌اند. برای پر کردن این خلاء در این مطالعه به بررسی طرح برخورد پلیس با شرارت در خراسان شمالی، از آغاز اجرای این طرح یعنی سال 1385 تا زمان این تحقیق (1389)، در پرتو نظریه آشفستگی پرداخته شده است. در آغاز بحث اشاره‌ای آسیب شناختی به بحران افزایش جرم و جنایت در جوامع اخیر شده و سپس خاستگاه نظریه آشفستگی مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه به ضرورت تحلیل شرارت با استفاده از نظریه آشفستگی پرداخته شده است. از آن جا که سیر جرایم در جامعه روند پر شتابی به خود گرفته است، انجام اقداماتی برای پیشگیری در این زمینه اجتناب ناپذیر می‌نماید. نخستین گام در این ارتباط شناخت شرایط موجود است. در رفتار پر خاشگرانه انسانی، یادگیری نقش مهم‌تری از غریزه دارد که این امر حاصل تعامل ساختاری پیچیده بین انگیزه‌های ذاتی فرد و پاسخ‌های آموخته شده است. البته با اصلاح ساخت یادگیری افراد، می‌توان طبیعت پر خاشگری آن‌ها را تعدیل و با انعطاف‌تر نمود. بخش اعظمی از یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران است. نکته مهم در این دیدگاه عدم نیاز به تقویت فوری

است. یعنی فرد رفتاری را مشاهده کرده و می‌آموزد ولی تا زمانی که نیازی به ابراز آن نباشد و به عبارتی عامل تقویتی وجود نداشته باشد، آن رفتار بروز نمی‌کند (هرگنهان، 1379: 275).

در این جاست که اهمیت پیشگیری از وقوع شرایط بوجود آورنده شرارت و برخورد با افراد شرور که عامل انتشار رفتارهای شرارت آمیز در جامعه هستند مشخص می‌شود. جامعه نقش بسیار مهمی در انحراف یا عدم انحراف افراد ایفا می‌کند و می‌توان گفت در بستر جامعه است که شرارت معنا پیدا می‌کند و یا بر طبق دیدگاه نظریه انگ زنی¹ برچسب شرور به فرد مجرم زده می‌شود. شرارت می‌تواند با برهم زدن امنیت جامعه در روند کلی فعالیت‌های اجتماعی ایجاد اختلال کرده و زمینه ساز بروز ناامنی و شالوده‌ی فقدان امنیت در جامعه باشد. اما از نظریه آشفتگی چه استفاده‌ای در راستای تبیین این موضوع می‌توان کرد؟

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم الگویی است از هرج و مرج و بی نظمی که در بطن این هرج و مرج نظم خاص "فراکتالی"² وجود دارد (ناوارو، 2010: 70). اگر ما بتوانیم انواع فراکتال‌های اجتماعی را شناسایی کرده و به نظم نهفته در آن‌ها پی ببریم، تجزیه و تحلیل هرج و مرج‌های اجتماعی برای ما راحت‌تر خواهد شد [1390, fa.wikipedia.org/wiki]. اگر بتوان الگوهای رفتار اجتماعی را بر حسب آنچه در ریاضیات جدید معمول است فراکتال در نظر گرفت، با توجه به پیوند تفکیک ناپذیر الگوهای رفتار اجتماعی در جامعه با نظام ارزش‌های اجتماعی، می‌توان این فراکتال‌ها را به «فراکتال‌های زیبا» یعنی رفتارهای منطبق بر هنجارها و ارزش‌های به طور اجتماعی پذیرفته شده، و «فراکتال‌های زشت» یعنی رفتارهای انحرافی و ناسازگار با نظام هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تقسیم بندی کرد. در این معنا، فراکتال‌های زیبا بازگوی الگوهای جامعه پذیر شده و فراکتال‌های زشت بازگوی الگوهای جامعه ستیزانه و ضد جامعه‌وی است.

جامعه ما در کنار تحولات جهانی با رشد رسانه‌ها و ارتباطات هر لحظه دستخوش تحولات گوناگونی در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌گردد. در این میان قرار گرفتن در مسیر توسعه و پیشرفت نیازمند روی آوری کارگزاران و کارشناسان به تحلیل‌های جدید و روزآمد است. به نظر می‌رسد که با شناسایی فراکتال‌های اجتماعی و تمیز فراکتال‌های اجتماعی زیبا و به کارکرد از اقسام زشت و کژکارکرد آن می‌توان آشفتگی اجتماعی را در مسیر پیشرفت و توسعه قرار

¹ -Labeling Theory

² -Fractal

داد. بنابراین اگر پلیس بتواند با شناسایی درست انواع شرارت‌های خیابانی با آن‌ها برخورد نموده و از بروز رفتارهای شرارت آمیز پیشگیری کند، از وقوع بسیاری از جرایم دیگر نیز که در ادامه فراکتال اجتماعی زشت شرارت قرار دارند پیشگیری شده و نوعی اثر پروانه‌ای در جهت ایجاد امنیت بیشتر پدید می‌آید که تاثیر آن شگفت انگیز و بلکه دور از انتظار است. البته فقط حذف فراکتال‌های اجتماعی زشت از سوی پلیس، برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای، کافی نیست بلکه سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی نیز بایستی همگام با حذف فراکتال‌های اجتماعی زشت توسط پلیس، اقدام به خلق فراکتال‌های اجتماعی زیبا بنمایند تا در بطن آشفتگی‌های اجتماعی گریزناپذیر جایگزین اقسام زشت آن شود.

در پاسخ به هدف و سؤال‌های اساسی تحقیق، با بهره‌گیری از نظریه آشفتگی، فرضیه‌های ذیل قابل طرح است:

- 1- بین برخورد پلیس خراسان شمالی با شرارت در سال‌های 1385 تا 1388 و وقوع شرارت در آن سال‌ها رابطه وجود دارد.
 - 2- بین برخورد پلیس خراسان شمالی با شرارت دوره مورد بررسی و وقوع شرارت در آن دوره زمانی رابطه وجود دارد.
 - 3- بین برخورد پلیس خراسان شمالی با شرارت در سال 1389 و وقوع شرارت در آن سال رابطه وجود دارد.
 - 4- بین برخورد پلیس خراسان شمالی با شرارت (فراکتال‌های اجتماعی زیبا) دوره زمانی مورد بررسی و وقوع شرارت (آشفتگی اجتماعی واپس‌برنده) در آن دوره رابطه وجود دارد.
- (2) مبانی نظری

مباحث نظری نه فقط فهم و درک پدیده‌های پیچیده را تسهیل می‌کنند بلکه راهگشای عمل و فراهم کننده زمینه‌های کسب موفقیت‌های لازم برای پیشرفت‌اند. در عرصه آسیب‌های اجتماعی بحث‌های نظری، به ویژه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که حجم کج رفتاری‌های مردم از سقف تحمل جامعه فراتر رفته و نگرانی‌هایی در بین همه‌ی گروه‌های اجتماعی ایجاد کرده باشد. مثلاً امروزه که برخی هنجار شکنی‌ها از جمله شرارت‌های خیابانی از حد معمول و مألوف جامعه بیشتر شده و رشد فزاینده‌ای یافته است، همه جا و همه کس می‌پرسند که چرا ارتکاب به کج رفتاری‌ها و بی

هنجاری‌ها تا این اندازه در بین مردم گسترش و عمومیت پیدا کرده، در اینجا طبیعی است که بر عهده نظریه هاست که به این سؤال مهم و اساسی پاسخ گویند (صدیق سروسستانی، 1383: 2). برای روشن تر شدن موضوع شرارت‌های خیابانی و تبیین آن با استفاده از نظریه آشفتگی نخست باید به تعریف مفاهیم اساسی در این زمینه بپردازیم:

2-1) شرارت‌های خیابانی و انواع آن

شرارت: نوعی ابراز عصیان و سرکشی در مقابل عرف جامعه است که در حقیقت ریشه در نوعی اعتراض دارد و به اعمالی اطلاق می‌شود که فرد یا افرادی با توسل به آن‌ها و از طریق قلدری، تهدید و ایجاد رعب و وحشت در دیگران موجبات سلب آسایش و امنیت مردم را فراهم سازند و مصادیق آن هم عبارتند از: زور گیری و باج گیری، چاقو کشی و قمه کشی، ایجاد رعب و وحشت، عربده کشی و اسید پاشی و نظایر آن‌ها.

زور گیری و باج گیری: به عملی گویند که با تهدید و ارباب فرد یا افرادی را بدون رضایت قلبی ملزم و مجبور به پرداخت وجه نقد یا هر چیز با ارزشی نمایند.

چاقو کشی و قمه کشی: هرگاه کسی چاقویی را به قصد ضربه زدن چه با ایجاد رعب و وحشت و یا به هردلیل دیگری، مورد استفاده قرار دهد مرتکب جرم چاقو کشی شده است.

سایر شرارت‌ها: در طبقه بندی جرایم شامل ایجاد رعب و وحشت در مردم، عربده کشی و اسید پاشی و نظایر این‌ها است.

ایجاد رعب و وحشت: به وجود آوردن ترس و دلهره در دیگران به وسیله تهدید، عربده کشی، شکستن شیشه و سایر طرق ممکن توسط افراد شرور.

عربده کشی: به فریادهای ناهنجاری اطلاق می‌شود که غالباً به همراه فحاشی توسط افراد لابلایی و شرور بمنظور ایجاد ترس و وحشت و دلهره در دل فرد یا افرادی از اهالی یا کسبه محل صورت می‌گیرد (خواه در حال مستی باشد خواه در حال عادی).

اسید پاشی: ریختن و پاشیدن هرگونه ماده اسیدی بر روی بدن یا اموال دیگران جهت ایراد خسارت جانی یا مالی یا حیثیتی که غالباً توسط افراد شرور با قصد و نیت قبلی انجام می‌شود.

2-2) نظریه‌های اصلی در حوزه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی

تبیین‌های جامعه‌شناختی در حوزه آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی را به طور کلی می‌توان به دو دسته نظریه‌های کلاسیک و معاصر تقسیم کرد:

در دسته کلاسیک می‌توان به صاحب نظرانی نظیر دورکیم، مرتن، ویلیامز و ساترلند و در دسته جدید و معاصر خصوصاً باید به هوارد بکر و اروینگ گافمن اشاره کرد.

دورکیم کجروی و انحراف را نوعی عمل مجرمانه و مستوجب مجازات می‌داند. به عقیده او «جرم هر نوع عملی است که در حد معین خودش موجب واکنش ویژه‌ای بر ضد عامل عمل می‌شود که نامش مجازات است.» (دورکیم، 1369: 83). عمل مجرمانه از آن رو مستوجب مجازات است که «وجدان جمعی را جریحه دار می‌کند.» (همان: 93). دورکیم علاقمند است که رویکرد جامعه‌شناختی به عمل مجرمانه را از رویکرد حقوق جزایی به این قبیل اعمال متمایز کند.

او می‌گوید: «در حقوق جزای متمدن‌ترین اقوام، آدم‌کشی معمولاً بالاترین جرم محسوب می‌شود. در حالیکه بحران اقتصادی، تغییر ناگهانی بورس و یا حتی ورشکستگی ممکن است خیلی شدیدتر از یک مورد آدم‌کشی در متلاشی کردن سازمان‌پیکر اجتماعی موثر باشد.» (همان: 85). او مجازات را اساساً واکنشی عاطفی با شدت معین می‌داند «که جامعه از طریق هیات سازمان یافته‌ای در برابر آن دسته از اعضایش که از برخی قواعد کرداری معین تخطی کرده اند ابراز می‌دارد».

دورکیم می‌گوید هیچ ملتی وجود ندارد که به طور روزمره به اخلاقیاتش هتک حرمت نشود. از این رو باید بگوییم که وجود جنایت حتمی است و نمی‌تواند وجود نداشته باشد، شرایط بنیانی سازمان اجتماعی به طور منطقی آن را ایجاب می‌کنند، در نتیجه وجود جرم و جنایت امری طبیعی است (دورکیم، 1378: 5-444). از دیدگاه دورکیم، اعمال مجرمانه به طور کلی از مصادیق نابسامانی اجتماعی (آنومی) به شمار می‌آیند که به طور نوعی از فقدان یا از هم‌پاشیدگی هنجارها یا به سخن دیگر از فقدان سازگاری با هنجارهای اجتماعی پدید می‌آید (آرون، 1370: 357).

مرتن در فصل‌های چهارم و پنجم «نظریه اجتماعی و ساختار اجتماعی» به بحث درباره نابسامانی اجتماعی (آنومی) و شکل‌های رفتار انحرافی می‌پردازد و پس از دسته‌بندی انواع پنج‌گانه انطباق افراد با الزامات زندگی اجتماعی مشتمل بر هم‌نوعی (comformity)، نوآوری (inovation)، مناسک‌گرایی (ritualism)، انزوا‌گرایی (retreatism) و شورش (rebellion) به تبیین شرایط بروز نابسامانی اجتماعی براساس رابطه میان هدف‌ها و وسایل می‌پردازد. از منظر مرتن اگر قواعد و

مقررات جامعه چیزهای متضادی به افراد بگوید یا هدف‌هایی را پیش رویشان بگذارد که رسیدن به آن‌ها ناممکن باشد، آنگاه افراد در موقعیت و حالت نابسامان قرار خواهند گرفت. مرتن کوشیده است که هرگونه رفتار منحرف را براساس ساخت اجتماعی تبیین کند. او معتقد است که همه صور رفتار منحرف از شکاف‌ها و اختلال‌های موجود بین هدف‌های کامیابی و وسایل مشروع دستیابی به آن‌ها ناشی می‌شود. به سخن دیگر هرگاه افراد یا گروه‌های معین قادر به کسب کامیابی از طریق ابزارهایی که به طور اجتماعی مورد قبول اند نباشد، به ارتکاب به رفتارهای تلافی‌جویانه رانده خواهند شد که مورد پذیرش جامعه نیست. بنابراین، کجروی نتیجه وجود یک فاصله و تفاوت است بین آرزوهایی که جامعه به طور اجتماعی به اعضایش آموخته است از سویی و راه‌هایی که همان جامعه برای تحقق این آرزوها به رسمیت می‌شناسد از سوی دیگر (مرتن، 1957: 121 تا 194).

رابین م. ویلیامز پسر^۱، منظر دیگری از فونکسیونالیسم ساختی را در زمینه کجروی ارائه می‌کند که به نظریه فوق هم‌رنگی (overconformity) موسوم است. به عقیده او مشکل انحراف طبیعتاً از ساخت خود جامعه سرچشمه می‌گیرد.

ویلیامز به هواخواهان جدی و سرسخت هنجارهای جامعه اشاره می‌کند که ممکن است موجد نوعی از انحراف باشند. چنین انحرافی در قهرمانان معینی تجلی می‌یابد. این قبیل افراد که بر رعایت قوانین رسمی جامعه اصرار می‌ورزند در شرایط معینی ممکن است مقدس و معصوم بشمار آیند، ولی تحت شرایط متفاوتی ممکن است به عنوان امل و مخرب طبقه بندی شوند. اشاره ویلیامز مشخصاً در برگیرنده برخی افراد و گروه‌های مذهبی است (استیوارت و گلین، 1981: 107).

هوارد بکر واضع نظریه برچسب زنی (labeling) در کتاب «درباره طردشدگان: مطالعاتی در جامعه شناسی انحرافات»^۲ استدلال می‌کند که انحرافات متضمن برهم کنشی میان «کسانی که متهم به یک عمل منحرف اند و بقیه جامعه است که خود ممکن است به چندین گروه منقسم شده باشد». به عقیده بکر این سرشت مناسبات میان فرد و جامعه است که منحرف را در موقعیتی قرار می‌دهد که از طریق جامعه بر چسب بخورد. این برچسب خوردگی بستگی دارد به ایده‌های درست و غلط خود جامعه و یا حتی زیر گروه‌های جامعه. در واقع گویا بکر از این نظریه جانبداری می‌کند که «قوانین مجرم می‌آفرینند». (به نقل از استیوارت و گلین، همان: 109)

¹ -Robin M. Williams Jr.

² -In Outsiders: Studies In The Sociology Of Deviance (1963)

و بالاخره، گافمن در کتاب «داغ ننگ» به مسأله کجروی اجتماعی بمثابه یک هویت ضایع شده می‌نگرد و می‌کوشد تا مسأله مدیریت هویت انگشت نما شده (stigmatized) را که از برچسب زنی نشأت می‌گیرد مورد بررسی قرار دهد. او اصطلاح «داغ ننگ» (stigma) را برای اشاره به ویژگی‌ها یا صفاتی به کار می‌برد که شدیداً بد نام کننده یا ننگ آورند. اما ضمناً تأکید می‌کند که قدرت داغ زنی یک صفت نه در ذات خودش بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد. به سخن دیگر صفتی که داغ ننگ بر پیشانی فرد دارای آن می‌زند می‌تواند به عادی جلوه دادن فرد دیگر کمک کند و بنابراین فی‌الغالب نه خوشنام کننده باشد و نه بدنام کننده (گافمن، 1386: 32). از منظر گافمن سه نوع کم و بیش متفاوت داغ ننگ را می‌توان تشخیص داد: (1) اولین نوع زشتی‌ها و معایب مربوط به بدن هستند- انواع بد شکلی‌های جسمانی؛ (2) نوع دوم، نواقص و کمبودهای مربوط به شخصیت فرد را شامل می‌شوند مثل متقلب، ضعیف‌النفس و سلطه‌پذیر بودن یا احساسات غیر طبیعی، عقاید انعطاف‌ناپذیر و غیرقابل اعتماد داشتن؛ و (3) داغ ننگ قومی و قبیله‌ای که منظور از آن داغ ننگ‌های مربوط به نژاد، ملیت و مذهب است (همان: 4-33). به عقیده گافمن افرادی که داغ ننگ خورده اند به انواع گوناگون ممکن است به موقعیت خود واکنش نشان دهند که از آن جمله اند: رفتار تندخویانه و اضطراب آلود، بلاتکلیفی و احساس ناامنی (همان: 6-45).

شرارت‌های خیابانی را هم می‌توان از زمره مصادیق همین نوع واکنش‌های مورد نظر داغ خوردگان به شمار آورد که طبیعتاً همان گونه که گافمن در پی استدلال پیامدهای این قبیل موارد است به ضایع شدن هویت اجتماعی افراد منجر می‌شود.

3-2) نظریه آشفتگی

آشفتگی در لغت به معنی بی‌سازمانی، هرج و مرج و بی‌نظمی است. این واژه با مفهوم بحران قرابت دارد که خود به معنای بروز نا بسامانی در وضعیت یا شرایط یک پدیده، یک حوزه یا یک عملکرد خاص است. بحران در رشته‌های مختلف علوم معانی متفاوتی دارد، مثلاً در روانشناسی به معنای بروز اختلال در ساختار شخصیتی یا عدم تعادل روانی است. در جامعه‌شناسی نیز دلالت‌هایی قریب به بی‌سازمانی دارد. استعاره بحران در علوم اجتماعی عموماً به مثابه ابزاری برای درک دراماتیک آسیب‌شناسی اجتماعی، فروپاشی و نابسامانی تعبیر شده است و فضایی مفهومی برای ابراز احساس عدم تحمل وضعیت حاضر فراهم می‌آورد. آشفتگی دانش بررسی رفتار سیستم‌هایی

است که اگرچه ورودی آن‌ها قابل تعیین و اندازه‌گیری است، اما خروجی این سیستم‌ها، ظاهری بی‌نظم و تصادفی دارد (مون، 1990: 57).

نظریه آشفتگی به مطالعه ا. سیستم‌های دینامیکی آشوبناک می‌پردازد. سیستم‌های آشوبناک، سیستم‌های دینامیکی غیرخطی هستند که نسبت به شرایط اولیه شان بسیار حساس‌اند. تغییری اندک در شرایط اولیه^۱ چنین سیستم‌هایی موجب تغییرات بسیار در آینده خواهد شد (مستر میجرز، 2009: 4). در ریاضیات نظریه آشفتگی به بررسی رفتار سیستم‌های خاصی می‌پردازد که حساسیت زیادی نسبت به شرایط اولیه خود دارند. نتیجه‌ی این حساسیت نسبت به شرط اولیه می‌تواند منجر به بروز رفتارهای بسیار پیچیده و تصادفی و غیر قابل پیش‌بینی شود. جالب اینجاست که این رفتار آشوبناک حتی در سیستم‌های معین هم دیده می‌شود؛ یعنی سیستم‌هایی که درگیر هیچ پارامتر یا ورودی تصادفی نیستند (تیورفیلارو، 1992: 168).

طرفداران نظریه آشفتگی بر این باورند که در میان الگوهای "رفتار ظاهراً تصادفی" پدیده‌های مختلف - از سیستم‌های هواشناسی گرفته تا سازمان‌ها و بازارهای بورس - نوعی نظم وجود دارد. در ورای این تفکر، فرضیه شگفت‌آوری مطرح می‌شود، مبنی بر اینکه "هر سیستم پیچیده، زندگی خاص خود را دارد و از قواعد خاص خود پیروی می‌کند. تلاش چالش برانگیز پژوهشگران سیستمی این است که قواعدی را برای پیش‌بینی رفتار "سیستم‌های پیچیده به ظاهر غیر قابل پیش‌بینی" (نامنظم) کشف کنند (رضائیان، 1385: 18-22).

ویژگی‌های نظریه آشفتگی:

نظریه آشفتگی با چند مولفه ساختاری تعریف و بازشناخته می‌شود که از این قرارند:

الف) اثر پروانه ای^۱

ب) خود انطباق دهی^۲

ج) خودمانائی یا خاصیت هولوگرافیک^۳

د) جاذبه‌های عجیب^۴ [1390 , www.Aftabir.com]

¹ - Butterfly Effect

² -Self Adaptation

³ -Self Similarity

⁴ -Attractors Strange

الف) اثر پروانه‌ای: نام پدیده‌ای است که به دلیل حساسیت سیستم‌های آشوبناک به شرایط اولیه ایجاد می‌شود. این پدیده به این اشاره می‌کند که تغییری کوچک در یک سیستم آشوبناک چون جو سیاره زمین (مثلاً بال زدن پروانه‌ای در برزیل) می‌تواند موجب تغییرات شدیدی (مثلاً وقوع طوفان در تگزاس) در آینده شود (تیوفیلارو، 1992). اگر فقط ذره‌ای در هر سوی این بازه جابجا شود همه چیز ممکن است تا بی‌نهایت پیش برود! یک بار به هم خوردن بالهای یک پروانه کافیهست تا ما را با یک رفتار آشوبناک روبرو کند. این رفتار به آرامی به آشوب‌گونهگی میل نمی‌کند بلکه سیستم ناگهان از نقطه‌ای به سمت بی‌نهایت می‌رود (ادوارد، 2002: 83-86).

این ایده که پروانه‌ای می‌تواند موجب تغییری آشوبناک شود نخستین بار در ۱۹۵۲ در داستان کوتاهی به نام آوای تندر کار "ری برد بری" مطرح شد. عبارت «اثر پروانه‌ای» هم در ۱۹۶۱ در پی ارائه مقاله‌ای از ادوارد لورنتس به وجود آمد. وی در صد و سی و نهمین اجلاس "ای.ای.اس" در سال ۱۹۷۲ مقاله‌ای با این عنوان ارائه داد که «آیا بال زدن پروانه‌ای در برزیل می‌تواند موجب ایجاد تند باد در تگزاس شود؟» (الیوت، 1997: 3) می‌توان نشان داد که در سیستم‌ها آشوبناک بازه‌ای از مقادیر اولیه موجب ایجاد رفتار آشوبناک می‌شود (گلیک، 1987: 213).

در سال ۱۹۶۰ لورنتس یک مدل حسابگر ساده برای کار هواشناسی درست کرد. رایانه این دانشمند در آن زمان نه سرعت کافی برای پردازش یک شبیه‌سازی ساخته شده از رفتار اتمسفر را داشت و نه از حافظه کافی برای ذخیره این اطلاعات برخوردار بود. باوجود این، لورنتس توانست مدلهایی از نظریه آشفتگی را با استفاده از این رایانه و با کمک دیگر هواشناسان "ام. ای. تی" نشان دهد (لورنتس، 1996: 23). لورنتس در پژوهش بر روی مدل ریاضی بسیار ساده‌ای از آب و هوای جو زمین، به معادله‌ی دیفرانسیل بسیار پیچیده‌ای رسید. وی برای حل این معادله از روش‌های عددی به کمک رایانه بهره گرفت و برای اینکه بتواند این کار را در روزهای متوالی انجام دهد، نتیجه آخرین خروجی هر روز را به عنوان شرایط اولیه روز بعد وارد معادله کرد. لورنتس در نهایت مشاهده کرد که نتیجه شبیه‌سازی‌های مختلف با شرایط اولیه یکسان با هم کاملاً متفاوت است. بررسی خروجی رایانه‌ای که لورنتس از آن استفاده می‌کرد نشان داد، داده‌ها تا ۴ رقم اعشار گرد شده در حالی که محاسبات داخل این رایانه با ۶ رقم اعشار صورت می‌گرفت. لورنتس به این

نتیجه رسید که از بین رفتن دورقم آخر موجب چنین تاثیری شده است. این واقعیت ناممکن بودن پیش بینی آب و هوا در دراز مدت را بازگو می کند [forum.patoghu.com/newreply.php, 1390].

ب) خودانطباق دهی: در محیط در حال تغییر امروزین، سیستم‌های بی نظم در ارتباط با محیطشان هم چون موجودات زنده عمل می کنند و برای رسیدن به موفقیت همواره باید خلاق و نوآور باشند. اما هنگامی که سیستم به تعادل سازگار نزدیک می شود.

برای حفظ پویایی نیاز به تغییرات اساسی درونی دارد که این تغییرات به جای سازگاری و تطبیق موقت و مقطعی با محیط، سازگاری پویا را موجب می شود که نتیجه آن دگرگونی روابط پایدار بین افراد، الگوهای رفتاری، الگوهای کار، نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها و فرهنگ‌ها است. در چنین شرایطی است که تغییرات کوچک می تواند تغییرات مهمی را در رفتار سیستم ایجاد کند و تحت این شرایط است که اثر پروانه‌ای در کنار سازگاری پویا تبلور می یابد. دانشمندان معتقدند که آشفتگی، سازگاری‌ها و انطباق‌ها را در هم می شکند که این امر در ظهور نظم نوین گاهی بسیار ضروری است و موجب خلاقیت مستمر در سایه تخریب خلاق در سیستم می شود [www.Aftabir.com, 1390]. مورگان خاصیت خود نظمی (خود انطباق دهی مستمر)^۱ در سیستم‌ها را تابع چهار اصل می داند: نخست آن که سیستم باید توان احساس و درک محیط خود و جذب اطلاعات از آن را دارا باشد. دوم آن که سیستم باید قادر به برقراری ارتباط بین این اطلاعات و عملیات خود باشد. سوم آنکه سیستم باید قدرت آگاهی از انحرافات را داشته باشد و چهارم آن که توانایی اجرای عملیات اصلاحی برای رفع مشکل را دارا باشد. هرگاه این چهار شرط اصلی برقرار شوند رابطه‌ای بین سیستم و محیط ایجاد شده و سیستم خود نظم می شود و در مقابل وقایع، نوعی هوشمندی از خود بروز می دهد (مورگان، ۱۹۹۷:۲۶۸).

ج) جاذبه‌های عجیب: به رغم پیش بینی ناپذیری و غیرخطی بودن رفتار، جاذبه‌های عجیب بیانگر الگوهای منظمی هستند که از آشفتگی‌های موجود در سیستم و بی نظمی موجود به دست می آیند. جاذبه‌های عجیب در همه جا وجود دارند؛ همه آنچه را که ما در نظر اول بی نظم و آشوبناک می بینیم در درازمدت و با گذر زمان الگویی منظم و دارای نظم از خود نشان می دهد.

¹ -Massachusetts Institute of Technology

تغییرات شدید، رفتارهای نامنظم، دگرگونی‌های پیش بینی ناپذیر، حرکات بحرانی و... همه در ذات خود دارای نظمی نهفته‌اند. جاذبه‌های عجیب، الگوهای هستند که از منظر یا منظرهای گوناگون بی نظم و آشفته ولی از منظر یا منظرهای دیگر دارای نظم‌اند. هرچه افق دید گسترده‌تر باشد، یافتن جاذبه عجیب ممکن‌تر و قدرت پیش بینی بیشتر خواهد بود (الوانی، ۱۳۸۴: 36).

(د) فراکتال‌ها: برخال یا فراکتال ساختاری است که هر جزء از آن با کلش متشابه است. واژه فراکتال از ریشه یونانی فراکتیوس به معنای سنگی است که به شکل نامنظم تکه تکه و شکسته شده باشد. جزء در این نوع شکل‌ها، نماینده‌ای از کل است. به چنین شکل‌هایی نام «خود متشابه» نیز داده اند (مندلبرت، 2004: 117). برخال‌ها (فراکتال‌ها) خودهمانند

هستند. در خودهمانندی، شکل جزء شباهت محسوسی به شکل کل دارد. این جزء، در همه جهات به نسبت ثابتی رشد می‌کند و کل را به وجود می‌آورد (آبراهام، 2000: 48).

ه) خودمانایی: گره‌ها، قناری‌ها و کانگوروها اگر به نحوی بتوانیم شباهتی بین آن‌ها پیدا کنیم به هم شبیه هستند (مثلاً می‌توانیم بگوییم همه یک سر، دو چشم، و دو پا دارند). اما در هندسه تشابه معنای خاصی دارد. تشابه، یکسانی شکل‌ها در عین متفاوت بودن اندازه هاست. به زبان ساده‌تر اگر بتوانیم با بزرگ یا کوچک کردن دو تصویر آن‌ها را درست مثل هم کنیم، آن دو متشابه‌اند. چنین شکل‌هایی اجزای سازنده هندسه جدید فراکتالی‌اند؛ هندسه‌ای که به گفته مندلبرت یکی از خالقان آن، ابزاری را برای دیدن بی نهایت در اختیار ما قرار می‌دهد (چن، 2002).

خودمانایی ضمناً دلالت بر شکل‌گیری از راه تکرار نیز دارد. مقصود از شکل‌گیری از راه تکرار چیست؟ یعنی برای درست کردن یک فراکتال می‌توانیم یک تصویر معمولی هندسی (مثلاً یک خط) را برداریم و با آن یک تصویر پیچیده‌تر بسازیم. بعد با آن تصویر به دست آمده تصویر پیچیده‌تری بسازیم، و همین‌طور به این کار ادامه دهیم. شکل‌های فراکتالی به این طریق به وجود می‌آیند و برنامه‌های کامپیوتری متعددی برای ایجاد آن‌ها نوشته شده‌است [fa.wikipedia.org/wiki/1390].

2-4) آشفتگی اجتماعی

ما در زندگی روزمره خود حوادث و وقایع بسیاری را تجربه می‌کنیم یا از طریق روابط با دیگران و مطبوعات از آن‌ها با خبر می‌شویم؛ اگرچه اکثر این رخدادها ظاهری تصادفی دارند اما اگر نیک

بنگریم در دل هر کدام از این اتفاقات نظم خاصی وجود دارد. ورودی‌های زندگی جمعی مانند انسان ها، ساختمان ها، خودروها، سازمان ها، کنش‌ها و هنجارها و... همگی دارای ساختاری منظم و مشخص اند ولی زمانی که حادثه‌ای را مشاهده می‌کنیم بنظر تصادفی است و این همان خاصیت سیستم‌های آشوبناک است که قبلا به آن اشاره شد. نکته کلیدی بحث در این است که اگر چه ظاهر این آشفتگی کتره‌ای و تصادفی است ولی در مقیاس کلان قابل پیش بینی و اصلاح است و در بطن آن روابط منظم وقاعده مند وجود دارد. نکته دیگر در آشفتگی اجتماعی اینست که در بطن آن فراکتال‌های اجتماعی وجود دارند، این فراکتال‌های اجتماعی همان کنش‌ها و رفتارهایی هستند که ما بطور روزمره در تعاملات با دیگران آن‌ها را بکار می‌بریم و این رفتارها از کودکی در ذهن ما نهاده شده اند پس اولین ویژگی فراکتال‌های اجتماعی اینست که از طریق یادگیری به ذهن افراد جامعه وارد می‌شوند و دومین ویژگی آن‌ها عنصر تکرار است زیرا وقتی رفتاری مرتباً از انسان سر بزند پس از چندی ملکه ذهن او می‌شود و اگر این را به کل جامعه بسط دهیم نتیجه به وجود آمدن یک فراکتال اجتماعی خواهد بود. به سخن دیگر وقتی یک الگوی رفتاری در جامعه بوجود آمد و مرتباً تکرار شد می‌توان نام فراکتال اجتماعی بر آن نهاد. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد؛ از زمانی که اولین اجتماعات شکل گرفتند اولین فراکتال‌های اجتماعی نیز بوجود آمدند و با توالی نسل‌ها بصورت سینه به سینه از والدین به فرزندها منتقل شدند. بدینگونه می‌توان گفت که ما امروزه در احاطه فراکتال‌های اجتماعی زیادی قرار گرفته ایم. برخی از آن‌ها قدمتی بسیار کهن دارند مانند سنت‌ها؛ و برخی نو ظهور و جدیدند، مثل قوانین. این فراکتال‌های اجتماعی آنچنان در بطن روابط و برهمکنش‌های اجتماعی ما نفوذ کرده اند که امروزه زندگی بدون آن‌ها ناممکن می‌نماید. جریان‌های فراکتالی مختلف البته آشفتگی‌های اجتماعی مختلفی را نیز به وجود می‌آورند.

لازم به یادآوری است که هر رفتاری که بصورت روزمره از ما سر می‌زند فراکتالی نیست، فرایند ایجاد و تشکیل فراکتال‌های اجتماعی مراحل دارد: اول اینکه آن رفتارها یا روابط دارای بعد صحیح نیستند و تا حدود زیادی نسبی‌اند. به سخن دیگر آن دسته از رفتارها و روابط اجتماعی در این حوزه قرار می‌گیرند که نسبت پذیر باشند یعنی توانایی این را داشته باشند که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بسته به شرایط حاکم تغییر کنند، مانند فحشا و قمار که در جامعه ما جرم انگاری شده و در قانون برای آن مجازات تعیین شده ولی مثلاً در ایالات متحده آمریکا شغل است و مایه کسب درآمد

محسوب می‌شود و دولت نه تنها با آن‌ها مبارزه نمی‌کند بلکه از سود حاصله از آن‌ها مالیات هم می‌گیرد؛ دوم اینکه آن رفتارها و روابط اجتماعی باید خود همانند بوده و مرتباً تکرار شوند یعنی چرخه‌ای را به وجود آورند تا از خلال آن یک فراکتال اجتماعی شکل بگیرد. در واقع پس از این که این رفتارها از طریق یادگیری وارد ذهن افراد شد و سپس بارها و بارها تکرار شد، به نوعی عادت تبدیل شده و ملکه ذهن می‌گردد. البته این رفتارها و روابط باید خود همانند باشند یعنی رفتار یا رابطه‌ای که در کلیت یک سازمان یا جامعه یا پدیده اجتماعی مشاهده می‌شود حاصل تکرار و تداوم رفتار اولیه است یا رابطه‌ای نوعی دارد که شباهت محسوسی را با رفتار حاضر در آن می‌توان یافت. مثلاً کارمند بانکی که از وجوه دولتی اختلاس می‌کند در حال تداوم فراکتالی است که ریشه در کودکی او دارد؛ مثلاً زمانی که از کیف هم کلاسی هایش مواد غذایی و میوه بر می‌داشت.

برای بررسی میزان و نوع اثر یک فراکتال اجتماعی در ایجاد آشفستگی اجتماعی چند نکته اصلی را باید مد نظر قرار داد:

1- از لحظه آغاز هر فراکتال اجتماعی خاصی تا کنون چقدر زمان می‌گذرد؟ هر چه یک فراکتال اجتماعی (زیبا یا زشت) قدیمی‌تر باشد چون بیشتر تکرار شونده است پس دنباله فراکتالی آن نیز وسیع‌تر خواهد بود و آشفستگی اجتماعی گسترده‌تری ایجاد می‌کند و احتمال از بین رفتن آن کمتر است و انرژی و هزینه بیشتری برای از میان رفتن و مردن صرف می‌کند.

2- منبع و منشاء فراکتال مهم است. در مواردی منبع و زمینه اولیه آن دین است که ماهیتی ربانی دارد و در بطن شعائر، مناسک و اعتقادات دینی نهفته است؛ در مواردی دیگر ریشه در قانون دارد که دارای جنبه بازدارندگی یا سرکوبگری است؛ و بالاخره انواع دیگری هم هست که ریشه در عرف دارد و در روح جمعی نهفته است. از لحاظ شدت و قدرت اثر، فراکتال اجتماعی دین در مرتبه‌ای بالاتر و سپس فراکتال اجتماعی قانون و در پائین‌ترین درجه فراکتال اجتماعی عرف قرار می‌گیرد.

نکته مهم این است که این فراکتال‌ها دارای چه بازخورد یا کارکردی هستند؟ زیرا در نهایت همین فراکتال‌ها، آشفستگی اجتماعی را بوجود می‌آورند. از آن جا که یکی از خواص نظریه آشفستگی اجتماعی پارادوکسیکال (تناقض نما) بودن آنست و اینکه تمام رفتارها یا خوب هستند و کارکرد

مثبت دارند و یا بد هستند و کژکارکرد دارند، لذا فراکتال‌های اجتماعی را می‌توان مسامحتاً به دو نوع زیبا و زشت تقسیم بندی کرد:

1- فراکتال‌های اجتماعی زیبا (به کارکرد):

این نوع فراکتال‌ها را می‌توان در برگیرنده شکل‌های منظم خودهمانندی از روابط و برهمکنش‌های اجتماعی اعم از عرف‌ها، سنت‌ها، عقاید و قوانین تعریف کرد که انسان برحسب تجربه تاریخ و یا با رجوع به عقل یا تجربه از به کارکردی آن‌ها آگاه است. این نوع فراکتال‌ها نشان دهنده خوبی و نیکی در جامعه اند و در بطن هرج و مرج به خوبی ایفای نقش نموده و آشفتگی اجتماعی پیشبرنده را بوجود می‌آورند. برای ذکر نمونه‌ای از این فراکتال‌ها می‌توان آیین‌های قناعت یا سخت کوشی را نام برد. بسیاری از شکل‌های فراکتال‌های اجتماعی زیبا را می‌توان در کتاب‌های آسمانی چون قرآن، انجیل و تورات مشاهده کرد؛ مانند: یکتا پرستی، اعتقاد به پیامبران، اعتقاد به قیامت، شهادت، جهاد در راه عقیده، عبادت و امثال این‌ها. این فراکتال‌ها عناصر سازنده ادیان بوده و منشاء ربانی دارند. انواع دیگر فراکتال‌های زیبا در قوانین یافت می‌شوند مانند: قانون ضد آپارتاید، قانون صلح جهانی، قانون حفاظت از محیط زیست، قانون دادرسی، توسعه پایدار و امثال این‌ها. اقسام دیگری از این فراکتال‌ها در عرف موجودند؛ مانند: اخلاق حسنه، راستگویی، برابری، عدالت، شجاعت، قناعت، صرفه جویی، همنوع دوستی و امثال این‌ها.

ماکس وبر در کتاب اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه داری اشاره به این دارد که پایبندی به اصول و مبانی دینی می‌تواند موجب پیشرفت‌های اقتصادی جامعه در سطح کلان بشود. این کارکرد بخشی از بحث این مقاله است که ایجاد و ترویج فراکتال‌های اجتماعی زیبا می‌تواند موجب پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خاص در حوزه خود بشود. به همین لحاظ غایت این نوع فراکتال‌ها را می‌توان آشفتگی اجتماعی پیشبرنده دانست. این‌ها نوعی آشفتگی و هرج و مرج اجتماعی اند که دارای بازخورد مثبت در جامعه اند؛ زیرا فراکتال‌های اجتماعی زیبا و به کارکرد اجتماعی آن را به وجود آورده اند. از آنجا که آشفتگی، ظاهری کتره‌ای و تصادفی دارد در نوع پیشبرنده آن، هر چه ریزتر بنگریم فراکتال‌های اجتماعی زیبا و به کارکرد را مشاهده می‌کنیم که به خوبی ایفای نقش نموده و جامعه را در مسیر پیشرفت قرار می‌دهند. بازخورد این نوع آشفتگی اجتماعی مثبت است و می‌تواند در تمامی زمینه‌های خرد و کلان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و

سیاسی رخ دهد و این بستگی به نوع فراکتال و شدت اثر و پهنه فعالیت آن دارد؛ مثلاً ترویج فرهنگ صرفه جویی در یک رادیوی محلی در نهایت می‌تواند موجب پیشرفت‌های اقتصادی در آن ناحیه شود. که البته استثناهایی چون اثر پروانه‌ای نیز وجود دارند که به آن اشاره خواهیم کرد.

2- فراکتال‌های اجتماعی زشت (کژ کارکرد):

این نوع فراکتال‌ها را می‌توان شکل‌های خود همانندی از کنش‌ها و برهمکنش‌های اجتماعی تعریف کرد که به دلیل زیاده خواهی‌ها و جاه طلبی‌های افراد یا جوامع مختلف بصورت ناخودآگاه یا آگاهانه ساخته می‌شوند. این نوع فراکتال‌ها با توجه به نتایج بدکارکردی آن، نشان دهنده بدی و پلیدی در جامعه اند و موجب بوجود آمدن آشفستگی اجتماعی و افسردگی شده و در نهایت جامعه را از پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باز می‌دارند. خرده فرهنگ‌های پانک، هوی متال‌ها و گروه‌های مافیایی نمونه‌هایی از این نوع فراکتال‌ها هستند. در کل هر آنچه در نقطه مقابل فراکتال‌های اجتماعی زیبای برخاسته از دین، قانون و عرف قرار داشته و ضمناً خاصیت فراکتالی نیز داشته باشد را می‌توان از انواع فراکتال‌های زشت در نظر گرفت زیرا کژکارکردهایی به همراه دارند که موجب اختلال در روند زندگی عادی جوامع می‌شوند. به عنوان مثال می‌توان از فراکتال‌های زشت دروغگویی، ریا، خشونت گرایی‌های فکری، پوچ گرایی و امثال این‌ها در زمینه باورهای اندیشگی نام برد. انواع دیگر فراکتال‌های اجتماعی زشت تروریسم، قتل، سرقت، فساد مالی و اداری، شرارت، جرایم سازمان یافته، جرایم اقتصادی و قاچاق مواد مخدر اند که از عدم رعایت هنجارهای قانونی نشأت می‌گیرند و اقسام دیگر آن‌ها نظیر اسراف، نژاد پرستی (صرف نظر از برخی کشورهای دنیا که نژادپرستی در آن‌ها جرم انگاری شده و بصورت قانون در آمده است)، عیاشی، خیانت، بد قولی و امثال این‌ها نیز فراکتال‌های زشت در زمینه عرف می‌باشند که همگی موجب توقف پیشرفت و حتی گاهی پسرفت جامعه می‌شوند و از همین روی می‌توان آن‌ها را آشفستگی اجتماعی و افسردگی نامید. این‌ها در مقابل آشفستگی اجتماعی پیشبرنده قرار داشته و به دلیل وجود فراکتال‌های زشت یا کژ کارکرد در شالوده آن، جامعه را از حرکت به سمت پیشرفت باز می‌دارند. برزمینه و بستر این نوع آشفستگی اجتماعی، افراد و نهادها در برقراری کنش‌ها و تعاملات با یکدیگر دچار شکست و گسست می‌شوند. بازخورد این نوع آشفستگی اجتماعی منفی است. لذا به نظر می‌رسد که از طریق مبارزه و مقابله با فراکتال‌های اجتماعی زشت می‌توان مانع از گسترش آن‌ها در جامعه و تأثیرپذیری منفی روند

پیشرفت جامعه از آن‌ها شد. در همین ارتباط می‌توان به موضوع بحث این تحقیق اشاره کرد؛ به این معنی که چون شرارت نوعی فراکتال اجتماعی زشت در زمینه قانون است لذا نیروی پلیس از طریق مقابله با آن می‌تواند از آشفتگی اجتماعی واپس‌برنده جلوگیری کند. یا به سخن دیگر مانع از اثر بخشی منفی آن بر روند توسعه در جامعه شود.

اثر پروانه‌ای در جامعه شناسی :

این اثر دلالت دارد بر آن که کنش یا رفتاری با خاستگاهی خرد (فردی) می‌تواند تأثیری چنان کلان و عمیق بر جامعه بگذارد که اصلاً انتظارش را نداریم. برای مثال نمونه‌ای از اثر پروانه‌ای را می‌توان با استعانت از آموزه‌های دینی (قرآن و احادیث) نام برد. بدین صورت که وقتی در جامعه‌ای گناه کوچکی (فراکتال زشت) رواج پیدا کند و افراد بر آن اصرار بورزند (تکرار فراکتال) پس از چندی گناه در قلب آن‌ها نفوذ کرده (ملکه ذهن شدن) و مرتباً توسط افراد مختلف تکرار می‌شود (فراکتال گسترش می‌یابد) و در نهایت موجب ایجاد آشفتگی اجتماعی واپس‌برنده در کل ساختارهای آن جامعه می‌گردد. اثر پروانه‌ای یک گناه کوچک مانند دروغ گفتن یا خیانت در امانت می‌تواند موجب بی‌اعتمادی و ایجاد گسست‌های عمیقی در روابط افراد در جامعه شود بدین صورت که اعتماد افراد را به یکدیگر کاهش داده و از طریق فرسایش اعتماد اجتماعی، همبستگی و انسجام میان افراد و نهادهای جامعه را تضعیف می‌کند. تاریخ همانند نمایشگاه اثر پروانه‌ای در جوامع بشری است که نمونه‌ای از آن را مثلاً می‌توان در بسیاری از تمدن‌های باستانی از قبیل تمدن یونان باستان یا امپراطوری‌های باستانی از قبیل ایران، رم و امثال آن‌ها یافت. البته باید خاطر نشان کرد که اثر پروانه‌ای هم مانند فراکتال‌ها دو کارکرد و بازخورد مثبت و منفی دارد.

تاکنون بیشتر در خصوص اثر پروانه‌ای منفی در جامعه سخن گفتیم اما باید توجه داشت که اثر پروانه‌ای از بعد مثبت آن هم قابل بررسی است؛ مثلاً از جنبه مثبت آن می‌توان از ماجرای خودکشی “جوان دستفروش تونسلی”، که کلید انقلاب تونس و سایر کشورهای درگیر در فرایند موسوم به بهار عربی را زد نام برد. محمد البوعزیزی که در تاریخ هفدهم دسامبر 2010 بدلیل نبود فرصت‌های شغلی مناسب با مدرک تحصیلی لیسانسش در حالی که گاری دستفروشی وی نیز توقیف شده بود اقدام به خودکشی کرد. خودکشی او با همدردی و اعتراضات جوانان شهرش و سپس کثورتش تداوم یافت و موجب شد که بساط حکومت استبدادی بن علی در مدت کوتاهی برچیده شود و آثار این

تحول موجب تحریک جنبش اجتماعی در مصر، لیبی، سوریه و... نیز شد. به این ترتیب ناآرامی‌هایی که در پی قربانی شدن این جوان تونسوی پدید آمد، نه تنها حکومت یکی از رهبران مستبد و دیرپای منطقه را نابود کرد بلکه تاثیر این جریان بر فضای سیاسی منطقه و کشورهای عربی نیز هم‌اکنون مشهود است که این آثار را می‌توان اثر پروانه‌ای مثبت تلقی کرد [1389, www. Blogfa.com].

3) روش شناسی تحقیق

روش انجام این پژوهش به صورت تحلیل ثانویه آمار و اطلاعات وقوع و کشف شرارت اخذ شده از فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی است. این آمار بر مبنای واقعیت رخ داده در سال‌های 1385 تا 1389، یعنی از زمان آغاز طرح مقابله با شرارت تا زمان اجرای تحقیق حاضر، گردآوری شده است. علاوه بر این، تحلیل ثانویه آمار و اطلاعات مربوط به ساختار فرهنگی رسمی استان خراسان شمالی در سال‌های 1384 تا 1388 اعم از آمارهای اداره‌ی کل کتابخانه‌های عمومی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اداره‌ی کل اوقاف و امور خیریه، اداره‌ی کل تربیت بدنی، اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران مرکز خراسان شمالی و اداره‌ی کل دادگستری استان نیز مورد توجه بوده است. گردآوری این اطلاعات به روش اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. جامعه آماری قلمرو تقسیمات سیاسی استان خراسان شمالی است. تعداد جمعیت استان در سرشماری سال 1385 معادل 811572 نفر بوده است. متغیر مستقل طرح برخورد پلیس با شرارت بوده و متغیر وابسته شرارت‌های خیابانی است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کمی انجام شده و مقایسه درصدی میزان تغییرات (افزایش یا کاهش) شرارت نسبت به سال‌های گذشته مورد نظر بوده است که در پایان تاثیر ساختار اجتماعی استان و نیز تاثیر طرح برخورد با شرارت بر میزان وقوع شرارت‌ها در استان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است تا مشخص شود آیا برخورد با فراکتال‌های زشت و ازبین بردن آن‌ها در نهایت باعث ایجاد آشفستگی اجتماعی پیشبرنده شده است یا نه؟

پرسش مهم درارتباط با اعتبار تحقیق آن است که آیا برخورد پلیس با شرارت به تنهایی می‌تواند افزایش امنیت اجتماعی را در پی داشته باشد و این که سایر سازمان‌ها در این زمینه چه نقشی دارند؟ برای رفع ابهامات در این خصوص و افزایش اعتبار تحقیق علاوه بر سنجش آمار وقوع و کشف شرارت از طریق پلیس، آمار و عملکرد نهادهای اجتماعی و فرهنگی استان نیز بررسی و تحلیل شده

و عملکردها به صورت مقایسه درصدی اعتبار سنجی شده است. همچنین با استفاده از نتایج حاصل از تحقیق صورت گرفته در معاونت اجتماعی ناجا در خصوص نظرات شهروندان استان خراسان شمالی در مورد سازمان‌های متولی امنیت در سال 1389 میزان اثر هر یک از ادارات استانی مورد بررسی مقایسه‌ای قرار گرفته است. در پاسخ به این پرسش که اگر میزان شرارت افزایش یا کاهش یابد آیا می‌توان در مورد تغییر میزان احساس امنیت اجتماعی اظهار نظر کرد؟ از نتایج حاصل از تحقیق دیگری که توسط معاونت اجتماعی ناجا در خصوص احساس امنیت اجتماعی شهروندان استان خراسان شمالی از سال 1385 تا 1388 صورت گرفته استفاده شده است. در مورد پایایی تحقیق نیز می‌توان گفت که چون تمامی آمار و اطلاعات مربوط به شرارت از وقایع رخ داده در استان خراسان شمالی طی دوره زمانی 1385 تا 1389 گردآوری و استنباط شده است این تحقیق را می‌توان از پایایی بالنسبه بالایی برخوردار دانست.

یافته ها

در جدول (1) میزان وقوع و کشف شرارت در استان خراسان شمالی در سال‌های 1385 تا 1389 به نسبت سال قبل مقایسه درصدی شده‌اند. در نمودار (1) میزان وقوع شرارت با کشف آن به صورت سالانه مقایسه شده است همانگونه که مشاهده می‌شود بیشترین میزان وقوع و کشف شرارت‌ها مربوط به سال 1385 بوده و کمترین میزان آن مربوط به سال 1387 است. وقوع شرارت از سال 1385 تا 1387 سیر نزولی داشته و پس از آن تا سال 1388 سیر صعودی پیدا کرده و تا سال 1389 بدون تغییر مانده است. همچنین میزان کشف شرارت از سال 1385 تا 1387 سیر نزولی داشته و از سال 1388 تا 1389 سیر صعودی پیدا کرده است.

در جدول (2) میزان وقوع و کشف شرارت در سال 1389 با میانگین سال‌های 1385 تا 1388 مقایسه درصدی شده است. از آن جا که بر مبنای نظریه آشفستگی پیش بینی شرایط آتی فقط در مقیاس کلان ممکن است لذا می‌توان پذیرفت که فقط با بررسی متغیرهای وقوع و کشف شرارت توسط پلیس نمی‌توان در مورد افزایش یا کاهش امنیت اجتماعی کل استان اظهار نظر کرد، لذا به منظور جهت گیری به سوی یک رویکرد گشتالتی به این موضوع در ادامه از آمار عملکرد سازمان‌های دست اندر کار امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استان خراسان شمالی اعم از اداره‌ی کل کتابخانه‌های عمومی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اداره‌ی کل اوقاف و امور

خیریه، اداره‌ی کل تربیت بدنی، اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مرکز خراسان شمالی و اداره‌ی کل دادگستری استان در سال‌های 1384 تا 1385 که فعالیت‌های آن‌ها را می‌توان نوعی ترویج فرهنگ مدارا و جامعه‌پذیری و از این منظر همسو و دارای هدف مشترک با اقدامات بازدارنده پلیس تلقی کرد؛ استفاده شده است.

با آزمون آماری روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و تابع می‌توان به بررسی فرضیه‌های این تحقیق پرداخت:

برای آزمون فرضیه اول از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد که مقدار $r_{xy}=0/99$ بدست آمد. به این ترتیب فرضیه اول تحقیق تایید می‌شود. این تائید بازگویی آن است که بین برخورد پلیس با شرارت در سال‌های 1385 تا 1388 و وقوع شرارت در آن سال‌ها رابطه همبستگی مستقیم وجود دارد.

برای آزمون فرضیه دوم نیز از ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شده که مقدار $r_{xy}=1$ بدست آمد. پس فرضیه دوم نیز تایید می‌شود یعنی بین برخورد پلیس با شرارت در سال‌های 1385 تا 1389 و وقوع شرارت در آن سال‌ها رابطه همبستگی مستقیم کامل وجود داشته است. آزمون فرضیه سوم با توجه به جدول (1) بازگویی آن است که میزان وقوع شرارت در سال 1389 تغییری نداشته ولیکن آمار کشفیات پلیس 23/68٪ افزایش یافته است. این نتیجه را می‌توان اینگونه تعبیر کرد که فعالیت‌های پلیس در واحدهای پیشگیری در سال 1389 موجب شده است که میزان وقوع شرارت ثابت بماند. آمار همچنین بازگویی آن است که همزمان فعالیت پلیس در واحدهای کشف جرم افزایش یافته است. پس می‌توان این طور استنباط کرد که بین برخورد پلیس با شرارت در سال 1389 و وقوع شرارت در آن سال رابطه علی معکوس وجود دارد یعنی افزایش برخورد پلیس با شرارت موجب افزایش موارد کشف جرم و از این طریق موجب کاهش وقوع شرارت گردیده است.

آزمون فرضیه چهارم با توجه به جدول (2) و نمودار (2) نشان می‌دهد که با فعالیت‌های پلیسی در واحدهای پیشگیری و کشف جرم میزان برخورد با شرارت در سال‌های 1385 تا 1389، 9/94٪ افزایش یافته و در نتیجه میزان وقوع شرارت 4/54٪ کاهش یافته است. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین برخورد پلیس با شرارت (فراکتال‌های اجتماعی زیبا) و وقوع شرارت (آشفستگی اجتماعی

اجتماعی واپسبرنده) رابطه علی معکوس وجود دارد یعنی با افزایش برخورد پلیس با شرارت میزان وقوع شرارت کاهش می‌یابد.

در اینجا چندسوال اساسی مطرح می‌شود: (1) آیا می‌توان گفت که تنها عامل در کاهش میزان وقوع شرارت در استان خراسان شمالی و افزایش امنیت اجتماعی فعالیت‌های پلیسی است؛ و (2) یا واقعیت آن است که سایر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی که کارکردشان اساساً معطوف به فعالیت‌های فرهنگی و ترویج جامعه‌پذیری است نیز در این موفقیت دخیل بوده‌اند؟ (3) نظر شهروندان در مورد نقش سازمان‌های مختلف در تولید و حفظ امنیت اجتماعی و کاهش ناامنی‌ها و شرارت‌های خیابانی چیست؟ (4) و بالاخره آیا واقعا طی سال‌های اجرای این طرح، امنیت اجتماعی افزایش یا به سخن دیگر ناامنی‌های اجتماعی (و از آن جمله شرارت‌های خیابانی) کاهش یافته است؟

برای پاسخ به سؤال اول می‌توان به مقوله پیشگیری از وقوع جرم اشاره کرد یعنی بررسی این نکته که در فرایند جایگزینی فراکتال‌های اجتماعی زشت از طریق اقدامات سخت افزاری انجام شده توسط پلیس آیا فراکتال‌های اجتماعی زیبا ایجاد و جایگزین شده‌اند یا نه؟ به سخن دیگر آیا ساختار کلی استان توانسته است فراکتال‌های اجتماعی زیبا را جایگزین فراکتال‌های اجتماعی زشت بنماید. بررسی آمارها نشان می‌دهد که فعالیت‌های سازمان‌های متولی امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در استان خراسان شمالی از سال 1384 تا 1388 با افزایش و گسترش چشم‌گیر روبرو بوده است؛ به این نحو که مثلاً: نرخ بیکاری در سال 1388 نسبت به سال‌های گذشته کاهش داشته و بطور همزمان سهم اشتغال (اگرچه ناقص) افزایش یافته است و نیز فعالیت واحدهای ارائه‌دهنده خدمات پیشگیری، امور فرهنگی و اعتیاد اداری کل بهزیستی استان و میزان تولید برنامه‌ی صدا و سیما استان مرکزی خراسان شمالی، توزیع مطبوعات، ساخت و بهره‌برداری از تأسیسات و مکان‌های ورزشی، ساخت و بهره‌برداری از اماکن مذهبی، تعداد اعضاء و مراجعان به کتابخانه‌ها و تعداد باسوادان برحسب جنس در نقاط شهری و روستایی همگی افزایش داشته است. یعنی بر مبنای نظریه آشفستگی همزمان با از بین رفتن فراکتال‌های اجتماعی زشت در نتیجه اقدامات سخت افزاری پلیس، فراکتال‌های اجتماعی زیبا به تبع گسترش فعالیت‌های فرهنگی و نرم افزاری در استان متولد و جایگزین شده‌اند پس قاعدتاً باید پیشرفت‌های مثبتی در سال 1389 نسبت به

سال‌های گذشته در مقوله برخورد با شرارت و آشفته‌گی اجتماعی پیشبرنده یعنی افزایش امنیت اجتماعی بوجود آمده باشد. این استدلال ضمناً بازگویی آن است که در فرآیند موفقیت‌های بدست آمده سازمان‌هایی که در کنار اقدامات سخت افزاری پلیس به فعالیت‌های فرهنگی و نرم افزاری در استان اشتغال داشته نیز موثر و دخیل بوده اند.

برای پاسخ به سؤال مربوط به نظر شهروندان در مورد نقش سازمان‌های مختلف در تولید و حفظ امنیت اجتماعی می‌توان اشاره کرد به این که مرکز افکار سنجی معاونت اجتماعی ناجا در سال‌های 1384 تا 1388 به صورت پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه در جامعه آماری افراد بالای 18 سال استان خراسان شمالی با روش نمونه‌گیری تصادفی، تحقیقی در خصوص بررسی نقش سازمان‌های مختلف اجتماعی در تولید و حفظ امنیت اجتماعی از نظر شهروندان انجام داده است که در آن از مجموع 16 نهاد و سازمانی که مورد پرسش قرار گرفته اند، بیشترین نقش از نظر پاسخ‌گویان در تولید و حفظ امنیت اجتماعی به ترتیب مربوط به نیروی انتظامی (28/6٪)، دادگستری (12/1٪) و سپاه پاسداران (11/6٪) بوده است که در جدول شماره (4) بازگو شده است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که اولاً شهروندان موفقیت‌های بدست آمده در زمینه مقابله با ناامنی و شرارت‌های خیابانی را مثبت ارزیابی کرده و ثانیاً از نظر شهروندان علاوه بر سیستم‌های کنترل اجتماعی سازمان یافته و رسمی (اقدامات پلیس)، سازمان‌های اجتماعی مختلفی چون صدا و سیما، وزارت آموزش و پرورش، مراکز فوریتی، نهادهای دینی، شورای شهر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تامین اجتماعی (روزنامه، هفته‌نامه، مجلات و...)، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت کشور و استانداری و وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز هر کدام تا اندازه‌ای در تامین و حفظ امنیت اجتماعی یا به سخن دیگر کاستن از ناامنی‌ها سهمیم بوده اند.

و بالاخره برای پاسخ به سوال چهارم و با فرض این که احساس امنیت پدیده‌ای اجتماعی و نسبی است و اظهار نظر در مورد آن به موقعیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان بستگی دارد می‌توان از نتایج تحقیق مرکز افکار سنجی معاونت اجتماعی ناجا در خصوص بررسی میزان احساس امنیت شهروندان استان خراسان شمالی که در جدول (3) و نمودار (3) بازگو شده است استفاده کرد. همانگونه که در جدول می‌توان دید از سال 1385 تا 1388 احساس امنیت شهروندان بنا به اظهار جمعیت نمونه، روند صعودی داشته است و میانگین احساس امنیت شهروندان در استان خراسان

شمالی (50%/02) از 100 نمره بوده است که نسبت به سال 87 به مقدار (11%/1) افزایش نشان می‌دهد و استان از این نظر در رتبه شانزدهم کشوری قرار دارد (میانگین احساس امنیت در کل کشور 48/85 از 100 نمره است) (معاونت اجتماعی ناجا، 1389).

بحث و نتیجه گیری:

جوامع انسانی را می‌توان دستخوش نوعی بی‌نظمی و هرج و مرج نا آشکار در نظر گرفت که انواع کج رفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی واز جمله آن‌ها رفتارهای شرارت آمیز (خیابانی) از مصادیق این نوع آشفتگی‌ها هستند. در بطن این آشفتگی‌ها، نظم خاص فراکتال‌های اجتماعی زشت (کژکارکرد) را می‌توان یافت، این فراکتال‌های زشت در نهایت باعث ایجاد آشفتگی اجتماعی واپسبرنده (کاهش امنیت) می‌شوند. مقابله و برخورد با این فراکتال‌های زشت از برخوردهای سخت افزاری و فیزیکی نیروی پلیس گرفته تا برخوردهای نرم افزاری و فرهنگی سازمان‌های دست اندر کار امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نظم خاص فراکتال‌های اجتماعی زیبا (به کارکرد) را تشکیل می‌دهند که در نهایت باعث ایجاد آشفتگی اجتماعی پیشبرنده (افزایش امنیت) می‌شوند.

بر طبق نظریه آشفتگی پیش بینی شرایط آینده در مقیاس خرد و کوتاه مدت ممکن نیست و فقط در سطح کلان و طولانی مدت می‌توان نتایج و پیامدهای محتمل ناشی از بروز وقایع اجتماعی را مورد تحلیل قرار داد. لذا برای تحلیل روابط بین متغیرها از آمارهای وقوع و کشف شرارت اخذ شده از فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی و تحلیل ثانوی استفاده شد. همچنین تحلیل ثانوی آمار و اطلاعات مربوط به ساختار کلی فرهنگی استان نشان داد که فعالیت این دستگاه‌ها در کنار اقدامات پلیس به کاهش شرارت‌ها و افزایش فراکتال‌های پیشبرنده در سطح استان منجر شده است. لازم به یادآوری است که گردآوری کلیه این آمار و اطلاعات به روش اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است و اطلاعات بر مبنای حوادث رخ داده است. جامعه آماری تحقیق جمعیت ساکن در استان خراسان شمالی است که بر طبق سرشماری سال 1385 معادل 811572 نفر بوده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق کمی انجام شده و شاخص کمی پایه‌ای مقایسه درصدی میزان تغییرات (افزایش یا کاهش) شرارت نسبت به سال‌های گذشته است؛ همچنین تاثیرات کل ساختار اجتماعی استان نیز در کاهش شرارت و افزایش امنیت اجتماعی براساس اطلاعات مرتبط با سازمان‌های فرهنگی استان به صورت تحلیل ثانویه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

بر طبق نتایج بدست آمده از تحقیق می‌توان گفت که میزان وقوع مجموع شرارت‌ها در سال 1389 نسبت به میانگین وقوع مجموع شرارت‌ها در سال‌های 1385 تا 1388، (4/54٪) کاهش داشته و همزمان آمار کشف معادل 9/94 درصد افزایش پیدا کرده است. همچنین بین میزان وقوع و کشف شرارت در سال‌های 1385 تا 1389 رابطه همبستگی کامل وجود دارد یعنی افزایش یا کاهش در وقوع شرارت، افزایش یا کاهش در کشف جرم را به همراه داشته است؛ پس می‌توان متغیرهای وقوع شرارت و کشف شرارت را دو متغیر همبسته به شمار آورد.

همچنین بین برخورد با شرارت توسط پلیس به مثابه حافظ و مجری قوانین مرتبط با امنیت اجتماعی (فراکتال‌های اجتماعی زیبا) و وقوع شرارت‌های خیابانی (آشفستگی اجتماعی واپس‌برنده) رابطه علی معکوس وجود دارد یعنی افزایش برخورد پلیس با شرارت میزان وقوع شرارت را کاهش می‌دهد. همچنین بنا بر تحقیق مرکز افکار سنجی ناجا، احساس امنیت اجتماعی شهروندان در استان خراسان شمالی از سال 1385 تا 1388 در حال افزایش بوده و نیز فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای دست اندر کار امور اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز از نظر شهروندان بر تولید و حفظ امنیت اجتماعی تاثیرگذار بوده است و این سازمان‌ها از سال 1384 تا 1388 با افزایش و بهبود چشمگیر عملکرد روبرو بوده‌اند.

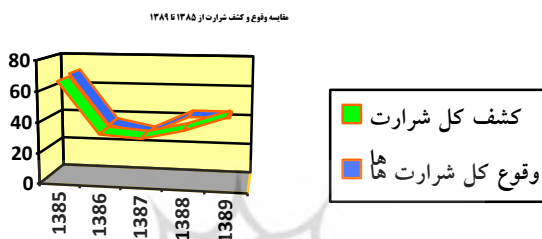
از سال 1385 تا 1389 میزان وقوع شرارت (فراکتال‌های اجتماعی زشت) کاهش یافته است و از طرف دیگر اطلاعات گرد آوری شده درباره فعالیت‌های سازمان‌های فرهنگی در استان نشان می‌دهد که فعالیت‌های سازمان‌های فرهنگی استان (فراکتال‌های اجتماعی زیبا) افزایش یافته است. به این ترتیب بر مبنای نظریه آشفستگی همزمان با محور (یا تضعیف) فراکتال‌های اجتماعی زشت از طریق پلیس، فراکتال‌های اجتماعی زیبا توسط سازمان‌های فرهنگی ایجاد و جایگزین شده اند پس قاعدتاً در سال 1389 نسبت به سال‌های گذشته در مقوله برخورد با شرارت، باید آشوب اجتماعی پیش‌برنده قوی‌تری یعنی افزایش امنیت اجتماعی در کار بوده باشد که برای بررسی این موضوع با استفاده از تحقیق مرکز افکار سنجی ناجا مشخص شد که از نظر شهروندان بالای 18 سال استان خراسان شمالی از سال 1384 تا 1388 احساس امنیت اجتماعی به طور مداوم در حال افزایش بوده است.

بر این اساس با استفاده از نظریه آشفستگی و با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که طرح برخورد پلیس با افراد شرور که بوجود آورنده و منتشر کننده فراکتال‌های اجتماعی زشت مانند انواع

شرارت‌ها هستند، در جامعه مورد مطالعه در کاهش نرخ وقوع شرارت تاثیر داشته است و هم زمان فراکتال‌های اجتماعی زیبا نیز توسط سازمان‌های مختلف اجتماعی ایجاد و جایگزین اقسام زشت شده اند که این در نهایت بر افزایش احساس امنیت اجتماعی تاثیر مثبتی باقی گذاشته است.

پیوست ها:

جداول و نمودارها:



نمودار (1): مقایسه درصد تغییرات انواع شرارت در سال 1389 با سال‌های 1385 تا 1388 در استان خراسان شمالی

مأخذ: فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی.

جدول (1): مقایسه درصد تغییرات انواع شرارت در سال 1389 با سال‌های 1385 تا 1388 در استان خراسان شمالی:

سال مصادیق شرارت	مقایسه درصد تغییرات در سال 1389 با سال 1388	مقایسه درصد تغییرات در سال 1389 با سال 1387	مقایسه درصد تغییرات در سال 1389 با سال 1386	مقایسه درصد تغییرات در سال 1389 با سال 1385
زور گیری و باج گیری	کاهش 25%	افزایش 28/57%	افزایش 12/5%	کاهش 18/18%
چاقو کشی و قمه کشی	وقوع 9/52%	افزایش 64/28%	افزایش 91/66%	کاهش 54%
سایر شرارت ها	وقوع 11/11%	افزایش 11/11%	کاهش 33/33%	افزایش 25%
	کشف 11/11%	افزایش 11/11%	کاهش 33/33%	افزایش 25%

جمع کل شرارت ها	وقوع	0٪ بدون تغییر	40٪ افزایش	20٪ افزایش	39/13٪ کاهش
	کشف	23/68٪ افزایش	46/87٪ افزایش	38/23٪ افزایش	29/85٪ کاهش

مأخذ: فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی.

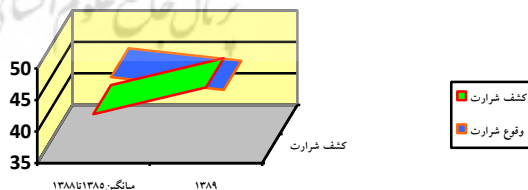
جدول (2): مقایسه درصدی وقوع و کشف شرارت در سال 1389 با میانگین سال‌های 1385 تا 1388 در خراسان

مصادیق شرارت سال	زور گیری و باج گیری		چاقوکشی و قمه کشی		سایر شرارت ها		جمع	
	وقوع	کشف	وقوع	کشف	وقوع	کشف	وقوع	کشف
1389	9	14	23	23	10	10	42	47
میانگین سالهای 1388 تا 1385	9/5	8/25	24	24	10	10	44	42/75
مقایسه درصد تغییرات سال 1389 با میانگین سال‌های 1385 تا 1388	5/26٪ کاهش	69/69٪ افزایش	5/15٪ کاهش	5/15٪ کاهش	2/43٪ کاهش	2/43٪ کاهش	4/54٪ کاهش	9/94٪ افزایش

شمالی:

مأخذ: فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



نمودار (2): مقایسه وقوع و کشف شرارت در سال 1389 با میانگین سال‌های 1385 تا 1388 در خراسان شمالی

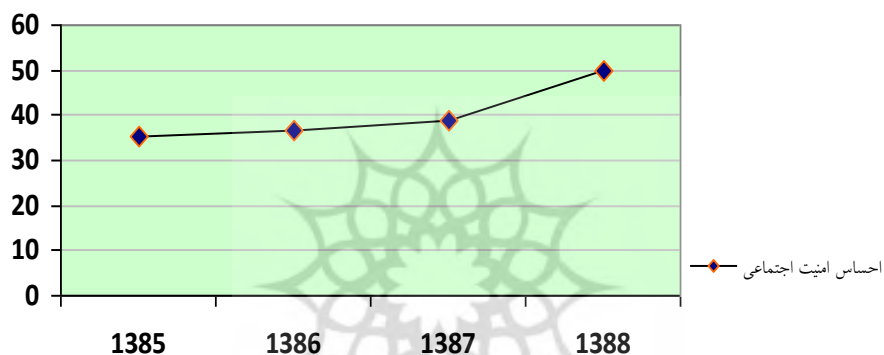
مأخذ: فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی.

جدول(3): میزان احساس امنیت شهروندان استان خراسان شمالی از سال 1384 تا 1388:

استان	سال 1385	سال 1386	سال 1387	سال 1388	میزان تغییرات
خراسان شمالی	35/1%	36/7%	38/9%	50%	88 نسبت به 87 افزایش 1/11%

مأخذ: معاونت اجتماعی ناجا (1389) بررسی میزان احساس امنیت شهروندان بالای 18 سال

استان خراسان شمالی



نمودار(3): میزان احساس امنیت شهروندان استان خراسان شمالی از سال 1385 تا 1388

مأخذ: معاونت اجتماعی ناجا.

جدول(4): نظرات شهروندان استان خراسان شمالی در مورد سازمان‌های متولی امنیت:

ردیف	نهاد یا سازمان	درصد
1	نیروی انتظامی	28/6
2	دادگستری و قوه قضائیه	12/1
3	سپاه	11/6
4	بسیج	11/6
5	وزارت اطلاعات	8/3
6	صدا و سیما	7/2
7	وزارت آموزش و پرورش	4/8
8	مراکز فوریتی (اورژانس، آتش نشانی و ...)	3/3
9	نهادهای دینی	2/7

2/7	شورای شهر	10
2	وزارت فرهنگ و ارشاد	11
1/5	سازمان تامین اجتماعی	12
1/5	مطبوعات (روزنامه، هفته نامه، مجلات و...)	13
0/8	وزارت کار و امور اجتماعی	14
0/7	وزارت کشور و استانداری	15
0/5	وزارت امور اقتصادی و دارایی	16
100	جمع	17

مأخذ: معاونت اجتماعی ناجا (1389) بررسی نقش سازمان‌های مختلف اجتماعی در تولید و حفظ امنیت اجتماعی از نظر شهروندان بالای 18 سال استان خراسان شمالی.



کتابنامه:

الف) منابع فارسی:

- 1- آرون، ریمون (1370)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
 - 2- دورکیم، امیل (1366)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، بابل: کتابسرای بابل.
 - 3- دورکیم، امیل (1378)، خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
 - 4- رضائیان، علی (1385)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت.
 - 5- صدیق سروسستانی، رحمت الله (1383)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آن، چاپ اول.
 - 6- گافمن ارونیگ، 1386، داغ ننگ (چاره اندیشی برای هویت ضایع شده)، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.
 - 7- معاونت اجتماعی ناجا (1388)، بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان استان خراسان شمالی، مرکز افکار سنجی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
 - 8- هرگنهان، بی.آر و همکاران (1379)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری (ترجمه علی اکبر سیف)، تهران: نشر دوران.
- ب) منابع انگلیسی:

- 9- Abraham, R. Ueda, Y. (2000), The chaos avant-garde, memories of the early days of chaos theory, World Scientific.
- 10- Devaney, Robert L. (2003), Introduction to Chaotic Dynamical Systems, Westview Pres.
- 11- Edward, Ott. (2002), Chaos in Dynamical Systems, New York: Cambridge University Press.
- 12- Giddens, A. (1996), Para alem da esquerda e da direita, Sao Paulo: Editora da UNESP.
- 13- Gleick, J. (1987), The Lorenz Attractor (on facing page), New York: Viking, This magical image, resembling an owl's mask or butterfly's wings, became an emblem for the early explorers of chaos. This is historically incorrect because the image was not produced as such until the late 1970's.
- 14- Kiel, L.D. Elliott, E.W. (1997), Chaos theory in the social sciences: Foundations and applications, Michigan: University of Michigan Press.
- 15- Lorenz, E.N. (1995), La esencia del caos [The essence of chaos], Madrid: Debate. (Original work published 1993).

16-Lorenz,E.N.(1996),The Essence of Chaos, Washington: University of Washington Press.

17-Lorenz,E.N.(1989), letter to O.M. Ashford, Madrid: December.

18-Lu,J. Chen,S.(2002), Analysis about chaotic time series and its application, Chine: Chinese Wuhan University Press.

19-Mandelbrot, B.B.(2004) , Fractals and chaos the Mandelbrot set and beyond ,Springer: Verlagp.

20-mastermanagers, Butterfly Effect.Mar/30/2009.

21-Merton, Robert K. (1957) ,Social Theory and Social Structure I Linois: The Free Press.

22-Moon,Francis. (1990), Chaotic and Fractal Dynamics, New York: Springer Verlag LLC.

23-Morgan,Garet.(۱۹۹۷), Images of organization , Sage Publication.

24-Navarro,J. Arrieta,C.(2010), Chaos in human behavior: The case of work motivation, Spania: Spanish Journal of Psychology 13.

25-Stewart ,E.W. Glynn,J.A. (1981) , Introduction to Sociology New Delhi: Tata Mc-Grow-Hill Publishing.

26-Tufillaro,Abbott Reilly. (1992), An experimental approach to nonlinear dynamics and chaos, New York: Addison Wesley.

27-Young, Jock.(2007), The Vertigo of Late Modernity, London:Sage.

28-<http://fa.Wikipedia.org/wiki/17:58/1390/03/03>.

29-<http://forum.Patogh.com/newreply.php/17:53/1390/03/04>.

31-<http://supergalaxy.Blogsky.com/18:45/2010/03/03>.

32-<http://www.Aftabir.com/18:23/1390/03/03>.

33-<http://www.Blogfa.com/20:46/1389/10/27>.

34-<http://www.Nashriyat.Nkhorasan.ir/12:05/2011/11/11>.

35- <http://www.P30world.net/12:43/2011/11/12>.